



کشورهای جنوب و جنبش عدم انسلاک



از ۱۸ تا ۲۴ اپریل ۱۹۵۵، نخستین کنفرانس بین کشورهای آسیایی و آفریقایی در باندونگ کشور اندونیزیا برگزار شد که نقطه عطفی در تاریخ شکل گیری جنبش عدم انسلاک به شمار می رود. هیات های ۲۹ کشور از نیم جمعیت جهان در آن اشتراک داشتند و اساسات همبستگی جنوب جهانی را پی ریزی کردند.

کنفرانس باندونگ با حضور رهبرانی چون جواهر لعل نهرو، سوکارنو رئیس جمهور اندونیزیا، جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر و چوئن لای صدراعظم چین خواستار آزادی مستعمرات شد. تلاش های جنبش اثرات جدی جهانی در پی داشت، از جمله در قاره آفریقا که تا آن زمان بیش از هشتاد درصد خاک آن تحت استعمار بود. دو دهه بعد از کنفرانس باندونگ، ۴۷ کشور استقلال یافته بودند.

با گذشت ۷۰ سال، امروز جهان با بحران های چندلایه ای چون جنگ های نیابتی، نابرابری شدید اقتصادی و انزوا و وابسته گی روز افزون کشورهای ضعیف روبه رو است. این شرایط ضرورت

احیای نقش جنبش عدم انسلاک را بیش از پیش نمایان می‌سازد. اما فعالیت جنبش طی دهه های اخیر کمرنگ شده است.

افزایش اعضا و کاهش نفوذ جنبش عدم انسلاک:

در این هفت دهه تغییرات زیادی در جنبش عدم انسلاک به‌میان آمده است. امروز ۱۲۰ کشور در حال توسعه عضو این جنبش هستند، ولی با وجود این گستردگی مثل سال‌های نخست فعال نیست. یکی از نشانه های کاهش دل‌گرمی اعضای آن جنبش، این است که خلاف گذشته که در پایان هر دهه بنیان‌گذاری جنبش را جشن می‌گرفتند، امسال که مصادف با هفتمین دهه تاسیس آن بود، هیچ جشنی برپا نشد.

این جنبش تشکیلات وسیع نداشته، اجلاس سران مهم‌ترین رکن تصمیم‌گیرنده آن است که هر سال یک بار مجلسی برگزار می‌کند. ریاست و سکرتریت جلسه را کشور میزبان بر عهده دارد. علاوه بر این، اجلاس سالانه وزیران و اجلاس سالانه کارشناسان نیز دایر می‌شود.

آخرین جلسه این جنبش در ماه جنوری ۲۰۲۴ در کشور اوگاندا با شعار «تعمیق همکاری برای رفاه مشترک جهانی» دایر شده بود. شعار جلسه قبلی آن در باکو، «پابندی به اصول باندونگ جهت ادامه پاسخ هماهنگ به چالش‌های جهانی» بود. از این شعارها فهمیده می‌شود که هدف جنبش یک نوع عکس‌العمل و اتحاد کشورهای رو به توسعه در برابر مسایل پیچیده و مشکلات امروزی جهان است. اما برای پی‌گیری این اهداف اقدامات عملی و اثرگذار را شاهد نیستیم. در واقع، اهمیت این جنبش بعد از فروپاشی اتحاد شوروی مورد سوال قرار گرفته و برخی از اعضا نسبت به موثریت آن تردید دارند، چنان‌که در آخرین اجلاس این جنبش همه اعضا شرکت نکرده بودند و از ۱۲۰ کشور عضو تنها نماینده‌گان ۹۰ کشور حضور داشتند.

با این‌حال، هنوز جنبش مذکور مدعی است که از کشورهای در حال توسعه در برابر قدرت‌های بزرگ حمایت می‌کند و همچنان خواستار بازسازی نظم اقتصادی جهان است. توجه و نگرانی در مورد جهانی شدن تجارت و موضوع قرضه کشورهای در حال توسعه، سرمایه‌گذاری و رشد بی‌سابقه جرایم بین‌المللی نیز در آجندای کار جنبش قرار دارد.

بریکس و جنبش عدم انسلاک:

برخی‌ها به این باورند که سازمان بریکس می‌تواند جایگزین جنبش عدم انسلاک شود. اما این دو باهم تفاوت بنیادی دارند. بریکس در آغاز فقط ۵ عضو داشت (برازیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی) و به گروه قدرت‌های نوظهور نیز معروف بود. در سال ۲۰۲۴ مصر، اتیوپی، ایران و امارات، و در سال ۲۰۲۵ اندونیزیا شامل بریکس شدند. تعدادی از کشورهای دیگر نیز خواهان شمولیت در این گروه هستند، اما تا حال عضویت شان پذیرفته نشده است.

کشورهای زیادی از مأموریت بریکس در جهت ساختن جهان چند قطبی با نهاد های اقتصادی جایگزین که دموکراتیک بوده و زیر سلطه قدرت های غربی نباشد حمایت می کنند. اما بریکس نمی تواند جایگزین جنبش عدم انسلاک شود، زیرا پنج کشور بنیان گذار بریکس از جمله ۲۰ اقتصاد بزرگ جهانند، و بریکس در درجه اول یک گروه اقتصادی از اقتصادهای نوظهور بزرگ است که به دنبال افزایش نفوذ جهانی خود و به مبارزه کشیدن سلطه غرب در نظام اقتصادی و نهادهای مالی بین المللی است. در مقابل، جنبش عدم انسلاک یک مجمع کشورهای در حال توسعه با دستور کار سیاسی و اجتماعی گسترده تر و خواهان تحقق منافع کشورهای جنوب است. اهداف، دامنه و عضویت آن ها تفاوت های اساسی دارند. جنبش عدم انسلاک در دوران جنگ سرد و با هدف اجتناب از وابسته گی به هر یک از ابرقدرت ها شکل گرفت. در مقابل، بریکس در دوران پس از جنگ سرد و عمدتاً با انگیزه رشد اقتصادی کشورهای عضو و تمایل به نقش بیش تر در حکمرانی جهانی ظهور کرد.

بریکس در سال ۲۰۱۸ حدود ۳۰ درصد قدرت اقتصادی جهان را دارا بود و تولید ناخالص داخلی آن حدود ۶۰ تریلیون دلار می شد، در حالی که در آن سال تنها ۵ عضو داشت. اما جنبش عدم انسلاک حدود ۱۲۰ عضو داشته و تقریباً تمام کشورهای در حال توسعه در آن عضویت دارند. کشورهایی چون چین و روسیه که اقتصاد بزرگ دارند در آن جنبش شامل نیستند، و کشورهای کم درامدی که اکثراً محاط به خشکه و در حال توسعه می باشند، جزایر کوچک و دیگر کشورهای کوچک و فقیر عضو این جنبش هستند. در واقع، با وجود شباهتهایی که کشورهای عضو بریکس و اعضای جنبش عدم انسلاک دارند، نگرانی های این دو گروه از کشورها یکسان نیست.

ضرورت حفظ و تقویت جنبش عدم انسلاک:

در شرایطی که جهان دچار آشفته گی و سردرگمی بی سابقه است، کشورهای در حال توسعه، به خصوص فقیرترین آن ها نیاز به یک سازمان دارند که در مقابل زورگویی قدرت های بزرگ اتحاد نشان داده و خواسته های خود را مطرح کنند. در حال حاضر جنبش عدم انسلاک، به طور بالقوه سازمانی است که می تواند از منافع کشورهای جنوب دفاع کند، هرچند که نقش آن بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی خیلی کم رنگ شده است. امروز در این جهان چند قطبی، کشورهای عضو جنبش عدم انسلاک در صورت اتحاد می توانند نقش مفید و منصفانه بازی کنند. هر کشور کوچک عضو این جنبش در مقابل قدرت های بزرگ به تنهایی ناچیز بوده و توان مقاومت ندارد، اما همه آن کشورها باهم در زیر چتر یک جنبش بزرگ می توانند خواسته های خویش را ابراز کنند و تریبون موثری داشته باشند.

هنوز این فرصت وجود دارد که جنبش عدم انسلاک چون سکوی مهمی برای کشورهای جنوب عمل کند، و کشورهای در حال توسعه از آن طریق منافع جمعی خود را پی گیری بتوانند. این جنبش که بخش قابل توجهی از جمعیت جهان را نمایندگی می کند، به کشورهای عضو امکان می دهد تا در مورد مسایل جهانی دیدگاه های خود را بیان کرده و از منافع خود دفاع کنند. حمایت از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی کشورها اصول اساسی جنبش عدم انسلاکند، و در شرایطی که قدرت های بزرگ همسایگان ضعیف خود را آشکارا تهدید به انضمام، اشغال و یا خرید اجباری می کنند، و سازمان ملل متحد نیز کارایی اولیه اش را تا حدود زیادی از دست داده است، وجود چتری که بتواند کشورهای کوچک را حفاظت کند و زمینه اثرگذاری جمعی آن ها را فراهم سازد، بسیار مهم است.

پایان